گنبد میراث شاهان ایرانی است

شرق: دکتر مهدی پارسایی در نشست «سیر تطور گنبد در معماری ایران» گفت: گنبد میراث شاهان ایرانی است و قدیمی‌ترین گنبد در جهان که روی پلان مربع احداث شده، مربوط به دوره ساسانیان در قلعه‌دختر فیروزآباد است.

این پژوهشگر در این نشست که از سوی «انجمن فرزندان پارسه استان فارس» در «مرکز شیرازشناسی» برگزار شد، خاطرنشان کرد: اگر معماری ایران یک هدیه به معماری جهان داده باشد، آن هدیه «احداث گنبد روی پلان مربع» است و در واقع این تکنیک ابداع ایرانیان است که قدیمی‌ترین نمونه آن هم در قلعه‌دختر فیروزآباد است. البته احتمال دارد این نوع گنبد قبل از قلعه‌دختر هم بوده باشد؛ اما ممکن است بر اثر زلزله‌ها و آسیب‌ها از بین رفته و به دست ما نرسیده باشد.

پارسایی گفت: در قلعه‌دختر فیروزآباد با احداث فیل‌پوش‌ها در گوشه‌های فضای چهارگوشه، گنبد را بنا کرده‌اند.

دکتر پارسایی ادامه داد: قبل از این و در دوره اشکانی هم این تکنیک را تمرین می‌کنند تا به احداث گنبد روی پلان مربع برسند. مثلا در کاخ آشور چنین تلاشی می‌شود که البته با چوب کار می‌کنند. به گفته او، توریست‌های علمی که به فارس می‌آیند، برایشان مهم است که قلعه‌دختر فیروزآباد را ببینند؛ چون این پوینتِ مهمی در تاریخ معماری جهان است.

این پژوهشگر می‌گوید در ایران محدودیت چوب بلند وجود داشته و به‌همین‌دلیل امپراتوری ساسانی برای مقیاس‌های بزرگ سراغ سازه‌های طاقی رفته است.

پارسایی درباره جرایی اینکه در هیچ‌یک از ۶۳ مسجد تاریخی شیراز گنبد وجود ندارد، گفت: اوایل که اسلام وارد ایران می‌شود، هم در ایران و هم عثمانی اسلام معماری ندارد و از آنچه موجود است، استفاده می‌شود. بعد از یکی، دو قرن، مسلمانان خیلی صریح خط‌کشی می‌کنند و می‌گویند مسلمان از غیرمسلمان باید مبرزش مشخص باشد؛ یکی از شاخصه‌ها هم این بوده که مسلمان از نماد‌های پوششی و معماری غیرمسلمان‌ها استفاده نکند. در فارس گنبد نماد و شاخصه معماری غیرمسلمانان است و به‌همین‌دلیل در فارس از گنبد در ساخت مساجد استفاده نمی‌شود.

او افزود: احتمالا اولین گنبدی که در شیراز ساخته می‌شود، گنبدی است که با مفهوم شاه پیوند دارد؛ چون گنبد میراث شاهان ایرانی است، نه میراث خلفای مسلمانان. اولین گنبد در شیراز در دوره اتابکی با دبلمی برای شاه‌چراغ ساخته می‌شود.

این پژوهشگر گفت: اینجاست که میراث ایرانی با تفکر شیعی پیوند می‌خورد و در فارس گنبد روی امامزادگان بنا می‌شود. تا سال ۱۳۷۰ شمسی در شیراز روی هیچ مسجدی گنبد ساخته نمی‌شد و گنبد ویژه امامزادگان بود.

پارسایی ادامه داد: با این حال در اصفهان در دوره سلجوقی هم گنبد دیده می‌شود؛ اما به طور ویژه در دوره صفویه پادشاه ادعای جدی امپراتوری دارد و می‌خواهد بروز و ظهور بیرونی به حکومتش بدهد و به‌همین‌دلیل از گنبدهای بزرگ به‌عنوان عنصر نمادین استفاده می‌کند؛ هم در مسجد شاه و هم شیخ لطف‌الله گنبدهای بسیار عظیم و زیبا در دوره صفویه ساخته می‌شود.

مهندس پُسرا بیدشهری، کارشناس معماری نیز در این نشست به دو نوع طاق مازه‌دار (منحنی) و طاق تیزه‌دار در معماری ایران اشاره کرد و گفت: قدیمی‌ترین نوع پوشش طاقی در ایران در هزاره سوم قبل از میلاد در شهر سوخته (استان سیستان‌وبلوچستان) به صورت پوشش منحنی وجود دارد که در واقع طاق مازه‌دار محسوب می‌شود و بعد از آن یک‌سری طاق مازه‌دار در زیگورات چغازنبیل (استان خوزستان) از دوره عیلامیان داریم.

به گفته این کارشناس معماری، هخامنشیان با استفاده از چوب اولین پوشش‌های مسقف را در ایران ایجاد کردند. بیدشهری گفت: در دوره ساسانی به دلیل کمبود وجود چوب مناسب و بلند، از سنگ و گچ در معماری استفاده می‌کردند.

او با اشاره به اینکه «ارتفاع» و «دهانه‌های خیلی بزرگ» دو شاخصه معماری ساسانی است، ادامه داد: طاق اکوی شاخص در دوره ساسانی است و برای اولین بار در قلعه‌دختر فیروزآباد موفق می‌شوند با استفاده از طاق، دهانه‌های بزرگ را پوشش دهند.

این کارشناس معماری با اشاره به اینکه «گنبد از ذوّران یک طاق حول محور اصلی خودش به دست می‌آید»، گفت: در دوره ساسانی گنبد روی فضای مربعی احداث شد و در سیر تطور گنبد و بعد از اسلام، هشت ضلعی که عرق‌چین نام دارد، روی فضای مربعی ایجاد می‌شود و گنبد روی عرق‌چین احداث می‌شود که نمونه آن را در همه مساجد می‌توانیم ببینیم. در واقع این هشت‌ضلعی‌ها، ۱۶ و ۳۲ضلعی‌ها که عرق‌چین نامیده می‌شوند، زیر گنبد کار شده‌اند. بیدشهری در ادامه به «گنبدهای تک‌پوسته، دوپوسته و سه‌پوسته» اشاره کرد و گفت: گنبد تک‌پوسته از ذوّران یک طاق به وجود می‌آید.

او افزود: اکثر گنبدها در ایران گنبدهای دوپوسته هستند. به‌این‌دلیل که آب و هوا و رطوبت هوا و بارندگی می‌توانسته روی پوسته خارجی گنبد اثر بگذارد و برای همین از دو پوسته استفاده می‌کرده‌اند تا رطوبت از لایه اول به لایه دوم نرسد. دلیل دیگر استفاده از گنبدهای دوپوسته هم این بوده که می‌خواسته‌اند در ارتفاع زیاد کار کنند. از نظر مقیاس انسانی اگر جایی بایستید که ارتفاع خیلی زیاد است، ترس و وحشت به انسان منتقل می‌شود و برای همین گنبدها را دوپوسته کار می‌کردند که گنبد پایین‌تر در مقیاسی باشد که فضا را بتواند برای انسان‌ها متناسب‌تر کند.

پسرا بیدشهری در پایان سخنانش انواع گنبد را در ایران این‌گونه برشمرد:

گنبد زک: گنبدهایی که ایستاده هستند و استوانه یا هرمی بوده‌اند و خیلی کشیده اجرا شده‌اند. مانند گنبد کاووس در استان گلستان و گنبد رادکان در خراسان رضوی.

گنبد نارنجی: معروف‌ترین و پرکاربردترین گنبد در ایران است. کردترین و کروی‌ترین نوع گنبد به شمار می‌رود. مانند گنبد حرم امام رضا و گنبد مسجد امام اصفهان.

گنبد اورجین: در دوره سلجوقیان به بهترین شکل از آن استفاده شد. گنبد مقبره لیث صفاری و دانیال نبی در خوزستان، گنبد سلطان زُبیده معروف به زمرد خاتون در عراق، مقبره میرمحمد در خارک و امامزاده جعفر در بروجرد در دسته گنبد اورجین جای می‌گیرند.

گنبد سروک (شبیه سرو): به‌خصوص در شیراز استفاده می‌شده. مانند گنبد علی ابن حمزه و گنبد قدیمی سیدعلاءالدین حسین قبل از مرمت.

گنبد غنچه‌گلی: این گنبد تقریبا همان گنبد سروک است که ارتفاعش کمتر شده و تیل‌تر و کروی‌تر دیده می‌شود. مانند گنبد شاه‌چراغ و گنبد سیدعلاءالدین بعد از مرمت که از سروک به گنبد غنچه‌گلی تبدیل شده است.

شهر تاریخی اردشیرخوره به چراگاه تبدیل شد

محمدرضا نسب‌عبداللهی: اردشیر خوره (شهر گور) جزء اولین شهرهای دوره ساسانیان است که از سوی اردشیر بابکان، بنیان‌گذار امپراتوری ساسانی بنا شد. منار و قسمت‌هایی از تخت‌گاه از جمله بقایای این شهر دایره‌ای هستند که باقی مانده‌اند. این شهر تاریخی که در نزدیکی فیروزآباد فارس قرار دارد، به درستی محافظت نمی‌شود و گاه و بی‌گاه کله‌های گوسفندان را می‌توان در این شهر ساسانی دید که به چرا مشغول هستند. مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که بر اثر رفت‌وآمد پیاپی کله‌های گوسفندان، فضولات حیوانی محوطه این شهر را پوشانده و در مواردی این فضولات باعث آلودگی مواد فرهنگی برآکنده در اطراف منار شهر گور مانند خرده‌سفال‌های تاریخی شده است. شهر گور (اردشیر خوره) یکی از مهم‌ترین شهرهای ساسانی است که فردوسی هم ابیاتی درباره آن دارد:

«یکی چشمه بُد بی‌کران اندر اوی/ فراوان ازو رود بکشاد و جوی/ برآورد از آن چشمه آتشکده/ بدو تازه شد مهر و جشن سده/ به گرد اندرش باغ و میدان و کاخ/ برآورده شد جایگاه فراخ/ چو شد شاه با دانش و فرّ و زور/ همی خواندش مرزبان شهر گور».

پایه‌گذاری شهر گور

اردشیر بابکان با وجود جنگ‌های پیاپی با اشکانیان و سرکوب حکومت‌های محلی و تلاش بی‌وقفه برای تشکیل یک کشور مستقل ایرانی، ساخت شهرهای جدید را در اولویت کاری برنامه‌های خود قرار داد و موفق شد شهرهای بی‌شماری تأسیس کند؛ اما تمام این شهرها از اهمیت یکسانی برخوردار نبودند. مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شهری که اردشیر در ابتدای حکومت خود به ساخت آن مبادرت کرد، اردشیر خوره (شهر گور) نام داشت که تختگاه اردشیر بابکان بود. گرچه این شهر اهمیت سیاسی خود را در زمان شاپور اول پسر و جانشین اردشیر از دست داد؛ اما تا پایان حکومت ساسانیان و حتی پس از آن نیز نقش کلیدی خود را به‌عنوان یک شهر آیینی و سنتی کماکان حفظ کرد و جیسا ولیعهدانی با مراسم پرشکوه و آداب دینی ایرانیان در آن تاج بر سر گذاشتند.

جورجینا هرمان در کتاب «تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان» می‌نویسد که اردشیر قبل از غلبه بر اردوان پنجم، آخرین پادشاه اشکانی دستور ساخت شهر تازه و ساختمان کاخ‌های خود را در اردشیر خوره (شکوه اردشیر) و قلعه دختر بر چکاد تنگاب صادر کرده است تا ضمن انسجام و استحکام ارتش و پایه‌های قدرت خود از گرفتارشدن در دام ارتش توانمند اردوان برهد و از سوی دیگر ظهور و موجودیت شاهی خود را اعلام کند. قلعه دختر با موقعیت سوق‌الجیشی خاصی که در ناحیه فارس داشت، می‌توانست به اهداف بلندپروازانه اردشیر جامه عمل بپوشاند.

اردشیر پس از پیروزی بر اردوان پنجم که چندان هم آسان نبود، نیازمند شهری بزرگ و باشکوه بود که علاوه بر تأمین نیازمندی‌های یک حکومت نوبنیاد و مقتدر درخور پادشاهی بزرگ و آبومند ماندند. اردشیر بابکان، پایتخت ایران را به دست کرفش قدرت و استحکام پایه‌های حکومتی خود دستور ساخت شهر گور را در کورهٔ اردشیر خوره صادر کرد. با پایان‌یافتن شورش‌های اجتماعی در نواحی مختلف و تصرف کامل ایران‌زمین از چنگال یارش‌ها و سرانجام برقراری آرامش و امنیت نسبی و استقرار کامل در شهر گور زمان آن فرارسیده بود که اردشیر فرمان ساخت کاخی را در نزدیکی این شهر صادر کند که اوج توانمندی، شکوه و اقتدار او را در آن عصر به نمایش بگذارد. کاخ فیروزآباد با یک موقعیت طبیعی مناسب، مصالح مستحکم، نقشه زیبا و عظمت خاص خود می‌توانست به اهداف جاه‌طلبانه اردشیر در این زمینه پاسخ مثبت دهد.

نخستین شهر ساسانی

گور (جور) که جزء کوره اردشیر خوره محسوب می‌شد، نخستین شهر ساسانی است که مطابق برخی نوشته‌های مورخان اسلامی، بیش از غلبه اردشیر بر اردوان پنجم و در آن زمان که اکوی کرسوی به ایران را در سر می‌پروراند، بنا شده است. اصطخری از جعفرابی‌دانش قرون اولیه اسلامی سیمای این شهر و چگونگی احداث آن را چنین بیان کرده است: «جور را اردشیر بنا کرده است. گویند دریاچه بود. چون اردشیر دشمنی را در آنجا قهر کرد خواست که شهری بنا کند پس بفرمود تا آب را راه‌ها ساختند. چنان که به شیب‌ها بیرون شد و این شهر را بنا کرد. دیواری از گل دارد و چهار دروازه بر اوست یکی را باب «مهر» گویند سوی مشرق و یکی سوی مغرب است «دروازه بهرام» و بر دست راست «دروازه اردشیر» و بر دست چپ «دروازه هرمز». در میان شهر نمایی است چون دکانی، آن را طرایل گویند و آن را در پارسی ایوان و کیاخوره خوانند. اردشیر ساخته بود که به همه روستاها و ناحیه از اجنا دیبار افتاد و در برابر آن از کوه آبی برون آورده است. اکنون ویران شده است. در شهر آب‌های روان بسیار است. به هر دروازه مقدار یک فرسنگ بوستان و تماشاگاه باشد».

شهر از یک دیوار پشتیبان، خندقی به عرض تقریبی ۵۵ متر و یک حصار خشتی با چهار دروازه اصلی منظم در چهار محور تشکیل شده است. قصبه داخلی شهر یک قطر آن به حدود دو کیلومتر می‌رسد. مانند چرخ پره‌داری با دو محور اصلی از دروازه شمالی به جنوبی و دروازه غربی به دروازه شرقی به چهار باره مساوی تقسیم شده است. در نقطه مرکزی شهر همدیگر را قطع می‌کنند. سپس هریک از چهار باره به پنج بخش بزرگ و مشابه تقسیم شده است. علاوه‌براین، فضای داخلی شهر با سه باره متحدالمرکز به «چهار گرده» بخش شده است. چنان که قطر گرده مرکزی به ۴۵۰ متر می‌رسد. بساری از خیابان‌های مورد و متحدالمرکز ارتباط غیرمستقیم منطقه مرکزی را با مناطق مسکونی، محل کار و تجارت به وجود می‌آورند.

منار شهر گور

در مرکز شهر برجی عظیم و چهار گوش قرار دارد که به نا گفته این حوقل آن را طربال می‌گفتند. این بلخی در توصیف آن نوشته است: «در میان شهر که مثل نقطه پرکار باشد دکه‌ای ابناشته به آروده است و نام آن ایران‌کرده و عرب آن را طربال گویند و بر سر آن دکه، سای‌ها ساخته و در میانگاه آن گنبدی عظیم برآورده و آن را کنبد گیرمان گویند و طول چهار دیوار این کنبد تا زیر قبه آن ۷۵ گز است و این دیوارها از سنگ خارا برآورده است و پس قبه عظیم از آجر بر سر آن نهاده و آب از یک فرسنگ از سر کوه رانده و فواره بر سر این سر بالا آورده».

این بنا از سنگ‌های تراشیده و آهک و گچ ساخته شده بود و در طرفین آن آثار بلکان طاق‌داری که به صورت مارپیچ تا بالای برج ادامه داشته، هویداست. قطر بخش تحتانی آن بیش از بخش فوقانی است و ضخامت هر ضلع این بنا در شرایط کنونی حدود ۴ متر و ارتفاع آن ۳۰ متر است.

درمورد عملکرد بنای مذکور نظریات مختلفی ارائه شده است. چنان که اوژن فلاندن بنا به گفته اهالی محل آنجا را آتشگاه می‌نامد. اصطخری از آن به‌عنوان ایوان و کیاخوره یاد کرده است. اسکار روتر این بنا را با زیگورات‌های بین‌النهرین مقایسه کرده است و اعتقاد دارد که در مناسبت‌های مخصوص، آتش مقدس را که در معبد نگهداری می‌شد روی این برج و در فضای باز برمی‌افروختند. لوبی وادندرک درمورد عملکرد بنا می‌نویسد در آن بسالا، در هوای آزاد، آتش مقدس را روشن می‌کردند و پرستندگان گرداگرد منارد حضور می‌یافتند. هوف اعتقاد دارد که این بنا به احتمال زیاد باید مظهری از شاه-خدایی فرضت‌الدوله شیرازی که از بنا دیدن کرده است به وجود عمارت مربعی اشاره می‌کند که روی چهارپایه عظیم آن سقفی استوار بوده است. در نزدیکی این عمارت حوضی قرار داشته که بدنه حوض را با ساروج ساخته بودند. فلاندن (۱۳۵۶) در بازدید از آثار اردشیر خوره و محل تخت‌نشین بنا را از نظر سبک معماری متعلق به عصر هخامنشی دانسته است. وی براساس کشف یک ستون سنگی سیاه و سبک معماری آن که در نزدیکی امامزاده جعفر از توابع تخت‌نشین قرار داشته این نظر را ابراز داشته است. فلاندن همچنین در مورد عملکرد این بنا اشاره می‌کند که این بنا شایستگی قصری بزرگ را ندارد و جز مقبره و آتشکده نمی‌تواند باشد. فلاندن با مقایسه این بنا با بنای آرامگاه کوروش نتیجه می‌گیرد که بنای مزبور نیز باید مانند آرامگاه کوروش مقبره جند نفر از سلاطین باشد. لوبی وادندرک این بنا را یک چهارطاقی دانسته که بر روی صفه‌ای برپا شده بود و آتش مقدس را در آن روشن می‌کردند و فقط روحانیون حق نزدیک شدن به آن را داشتند. هوف همین توصیف ابن بلخی را به عنوان یک آتشکده معرفی می‌کند و می‌نویسد: «بنای مکعب‌شکل چهارگوشی شامل یک اتاق مرکزی و دخمه‌هایی در هر سوی آن است و این از ویژگی‌های بناهای ساسانی است که می‌باید آن را کنبدی بر روی اتاق مرکزی و طاق‌نمّه بر روی دخمه‌ها تصور کرد. در خارج از این بنای مکعب‌شکل، چهار قصبه مکعب‌شکل الحاقی اضافه شده که شامل اتاق‌ها، ایوان‌ها و پیشخوان‌های است. وی تخت‌نشین را همان کنبد گیرمان این بلخی می‌داند».

علی‌اکبر سرفراز، باستان‌شناس اعتقاد دارد که طربال فیروزآباد را که به تخت‌نشین معروف است، نمی‌توان به طرب دانش جوخ جلیبایی‌نگاه کرد و آن را سوی با درنظرگرفتن ایدئولوژی مذهبی که در اوایل دوره ساسانیان رواج داشت و نیز با وجود منار رفیع و چشمگیر مذهبی که در فیروزآباد آتشگاه داشت، در صورتی که به استناد نوشته‌هایی که از گذشته‌های دور تاکنون به ما رسیده است این مکان را از صدر اسلام تاکنون با نام طربال یا تخت‌نشین یعنی کاخ اختصاصی اردشیر معرفی گرده‌اند. ویژگی‌های معماری و مصالح ساختمانی به نیز مؤید این است که این بنا یک محل اشرافی و تشریفاتی بوده است، نه یک بنای مذهبی. در اینجا ذکر این نکته ضروری است که واژه طربال در متون فقط در مورد منار مرکزی شهر گور که از آن با نام‌های مختلفی چون این‌گرده، ایوان و کیاخوره یاد شده، به کار رفته است. از این رو مترادف‌دانستن آن با تخت‌نشین کاربرد و عملکرد تخت‌نشین را همانند کنبد گیرمان که به تخت‌نشین نسبت داده شده است، دگرگون می‌کند.

علاوه بر این منار و تخت‌نشین که به نظر می‌رسد تنها ابنیه سنگی ساسانی شهر گور باشند، در محدوده داخلی شهر گور تعدادی خرابه به صورت تپه دیده می‌شود که باید به خاطر موقعیت‌شان برای روبا یا در کنار محورهای اصلی تأسیسات شهری قرار داشته باشند.

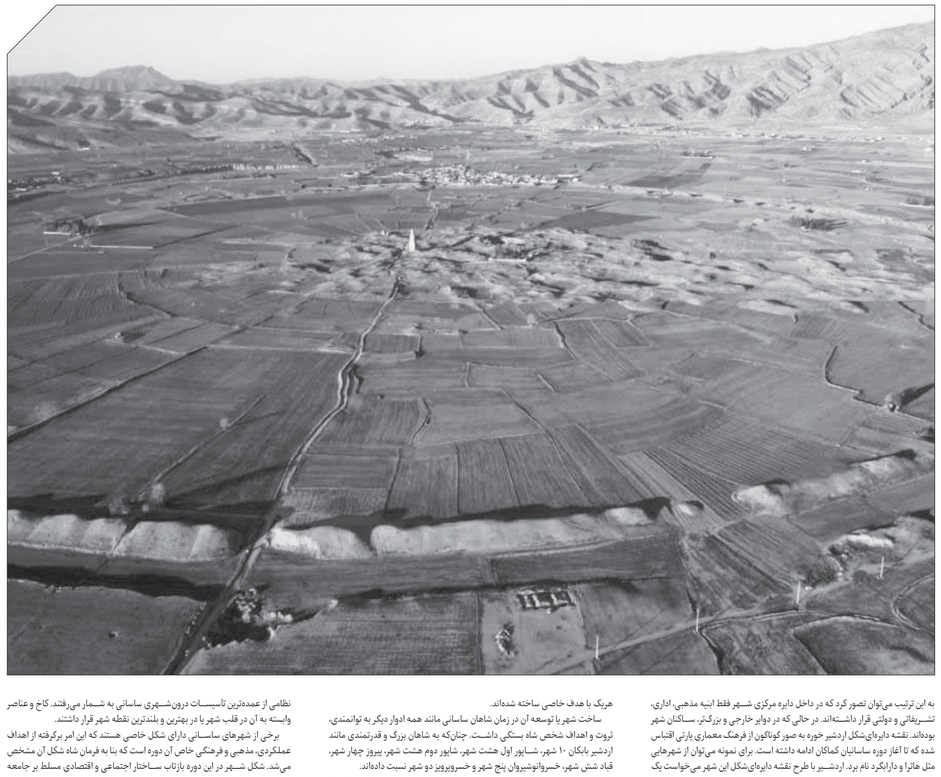

هر طی می‌کند بر روی حوضچه فوقانی منار شهر گور، گنبدی قرار داشت که به کنبد گیرمان معروف بود. متاسفانه بقیه کنبد گیرمان را با تخت‌نشین اشتباه گرفته و می‌نویسد: «می‌توانیم تشخیص دهیم که تخت‌نشین همان کنبد گیرمان این بلخی است». با توجه به اینکه واژه طربال در زبان عربی به معنای مناره بنا و عمارت‌گاه است، نمی‌توان این مکان را صرفا آب‌انبار شهر نامید؛ زیرا علاوه بر عملکرد فوق، محلی برای ستایش ناهید، فرشته آب نیز به شمار می‌رفت. ساخت بنایی با چنین عملکردی در زمان اردشیر اول بابکان در توان نیست؛ زیرا او در خانواده‌ای ولادت یافته که براساس متون تاریخی و پهلوی ساسانی بدران او تولیت معبد آناهیتا را در شهر استخر عهده‌دار بودند؛ بنابراین طبیعی است که اردشیر پس از به شاهی رسیدن برای بزرگداشت و ارجمندی اردوسپر آناهیتا، ایزدبانوی محبوب آب، نیایشگاهی رفیع و شکیل با جریان آب برای او بسازد. همان کاری که پس از او شاپور، پسرش، در شهر بیشاپور انجام داد و برای ناهید شکل دیگری از معبد بر پا داشت که البته این به سبب نوع جریان آب در بیشاپور بود. به عبارت دیگر با توجه به اینکه قبل از اردشیر، شهر استخر (احتمالا در کنار رود پلوار) دارای معبد آب بود و پس از وی شهر بیشاپور نیز معبد آب داشت اردشیر خوره هم معبد آب داشته است.

تخت‌نشین شهر گور

در بخش مرکزی شهر دایره‌ای گور و در صدمتری شمال شرقی مناره، ویرانه‌ای از یک ساختمان مربع‌شکل با سنگ تراش‌دار قرار دارد که به تخت‌نشین معروف است. نقشه فضای داخلی آن عبارت از یک کنبد بر فراز بنای مربع‌شکل است که در هر چهار طرف آن طاقچه‌های جوید دارد.

فرصت‌الدوله شیرازی که از بنا دیدن کرده است به وجود عمارت مربعی اشاره می‌کند که روی چهارپایه عظیم آن سقفی استوار بوده است. در نزدیکی این عمارت حوضی قرار داشته که بدنه حوض را با ساروج ساخته بودند. فلاندن (۱۳۵۶) در بازدید از آثار اردشیر خوره و محل تخت‌نشین بنا را از نظر سبک معماری متعلق به عصر هخامنشی دانسته است. وی براساس کشف یک ستون سنگی سیاه و سبک معماری آن که در نزدیکی امامزاده جعفر از توابع تخت‌نشین قرار داشته این نظر را ابراز داشته است. فلاندن همچنین در مورد عملکرد این بنا اشاره می‌کند که این بنا شایستگی قصری بزرگ را ندارد و جز مقبره و آتشکده نمی‌تواند باشد. فلاندن با مقایسه این بنا با بنای آرامگاه کوروش نتیجه می‌گیرد که بنای مزبور نیز باید مانند آرامگاه کوروش مقبره چند نفر از سلاطین باشد. لوبی وادندرک این بنا را یک چهارطاقی دانسته که بر روی صفه‌ای برپا شده بود و آتش مقدس را در آن روشن می‌کردند و فقط روحانیون حق نزدیک شدن به آن را داشتند. هوف همین توصیف ابن بلخی را به عنوان یک آتشکده معرفی می‌کند و می‌نویسد: «بنای مکعب‌شکل چهارگوشی شامل یک اتاق مرکزی و دخمه‌هایی در هر سوی آن است و این از ویژگی‌های بناهای ساسانی است که می‌باید آن را گنبدی بر روی اتاق مرکزی و طاق‌نمّه بر روی دخمه‌ها تصور کرد. در خارج از این بنای مکعب‌شکل، چهار قصبه مکعب‌شکل الحاقی اضافه شده که شامل اتاق‌ها، ایوان‌ها و پیشخوان‌های است. وی تخت‌نشین را همان کنبد گیرمان این بلخی می‌داند».

علی‌اکبر سرفراز، باستان‌شناس اعتقاد دارد که طربال فیروزآباد را که به تخت‌نشین معروف است، نمی‌توان به طرب دانش جوخ جلیبایی‌نگاه کرد و آن را سوی با درنظرگرفتن ایدئولوژی مذهبی که در اوایل دوره ساسانیان رواج داشت و نیز با وجود منار رفیع و چشمگیر مذهبی که در فیروزآباد آتشگاه داشت، در صورتی که به استناد نوشته‌هایی که از گذشته‌های دور تاکنون به ما رسیده است این مکان را از صدر اسلام تاکنون با نام طربال یا تخت‌نشین یعنی کاخ اختصاصی اردشیر معرفی گرده‌اند. ویژگی‌های معماری و مصالح ساختمانی به نیز مؤید این است که این بنا یک محل اشرافی و تشریفاتی بوده است، نه یک بنای مذهبی. در اینجا ذکر این نکته ضروری است که واژه طربال در متون فقط در مورد منار مرکزی شهر گور که از آن با نام‌های مختلفی چون این‌گرده، ایوان و کیاخوره یاد شده، به کار رفته است. از این رو مترادف‌دانستن آن با تخت‌نشین کاربرد و عملکرد تخت‌نشین را همانند کنبد گیرمان که به تخت‌نشین نسبت داده شده است، دگرگون می‌کند.

علاوه بر این منار و تخت‌نشین که به نظر می‌رسد تنها ابنیه سنگی ساسانی شهر گور باشند، در محدوده داخلی شهر گور تعدادی خرابه به صورت تپه دیده می‌شود که باید به خاطر موقعیت‌شان برای روبا یا در کنار محورهای اصلی تأسیسات شهری قرار داشته باشند.

هشدار درباره پاک‌سازی هویتی در شیراز

شرق: امین محمودزاده، مدرس دانشگاه و عضو شورای فنی میراث فرهنگی هشدار داد تخریب بافت تاریخی شیراز به معنای پاک‌سازی هویتی این شهر است.

این مدرس دانشگاه در پیج اینستاگرامش نوشت: نباید گذاشت تاریخ چند هزار ساله یک شهر و مردمانش را پاک‌سازی کنند و برایش هویت جعلی بسازند.

او افزود: شیراز، تنها شاهچراغ نیست بلکه شاهچراغ بخشی از شیراز است... شیراز یک هارمونی از امامزادگان، کلیساها، خانقاه‌ها، مساجد، حسینیه‌ها و کنیسه‌هاست نه یک میدان میان دو امامزاده.

در همین حال محمدمهدی کلانتری، دبیر پویش ملی نجات بافت تاریخی شیراز هشدار داده که ۱۵۰ خانه تاریخی شیراز در آستانه تخریب قرار گرفته است.

کلانتری می‌گوید: «به جز این خط پیشنهادی، در متن مصوبه مواردی آمده است که موجب تخریب بیشتر هم می‌شود. مثلا در متن مصوبه ایجاد یک مسیر دسترسی از شمال آستانه تا شرق شاهچراغ و نیز اتصال ۸ امامزاده به یکدیگر تحت عنوان طرح ۸ بهشت آورده شده است. این موارد در نقشه لحاظ نشده اما در متن مصوب آمده است. بنابراین با یک حساب سرانگشتی و حدودی می‌توان نتیجه گرفت که بیش از ۱۵۰ پلاک تاریخی در این طرح از بین خواهد رفت».

دبیر پویش ملی بافت تاریخی شیراز گفته: اینها اگر بخواهند صحن ۹ هکتاری بین دو حرم [شاهچراغ و سیدعلاءالدین حسین] بسازند، در این ۹ هکتار سه طبقه قبر می‌سازند؛ قبر را هم با بلوک سیمانی می‌سازند که هزینه خیلی کمی دارد ولی چه بازدهی مالی ایدارد؟ متری ۸ میلیون تومان تملک می‌کنند و متری سه میلیارد تومان می‌فروشند. هر قبر را اگر یک میلیارد تومان به مردم بفروشند، قبر سه طبقه می‌شود سه میلیارد تومان... شما ۹ هکتار را در سه میلیارد تومان ضرب کنید ببینید چه عددی می‌شود.

به تازگی شماری از کارشناسان وزارت میراث فرهنگی در بیانیه‌ای از همراهی با این وزارتخانه در تخریب بافت تاریخی شیراز اعلام برائت کردند و افزودند که اجرای چنین طرحی «نتیجه‌ای جز نابودی مظاهر فرهنگی غنی این سرزمین، رویاروکردن اقشار مختلف مردم و ایجاد نارضایتی در بین آنها نخواهد داشت».

کارشناسان وزارت میراث فرهنگی احیای بناهای محوطه‌ها و بافت‌های تاریخی معاونت میراث فرهنگی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در این بیانیه نوشته‌اند: به‌عنوان جمعی از کارشناسان معاونت میراث فرهنگی کشور به‌عنوان متولی اصلی حفاظت از داده‌های تاریخی- با توجه به عدم بررسی و تصویب طرح مذکور در این معاونت مطابق با روال معمول قانونی و نیز به‌دلیل جهت‌گیری طرح در راستای تخریب بخشی از هویت تاریخی- فرهنگی این سرزمین، مخالفت صریح خود را با انجام چنین اقداماتی اعلام و از تصمیمات اخذشده اعلام برائت می‌نماییم.

این بیانیه افزوده: «پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری که به‌عنوان نماینده ماهیت تحقیقاتی است و طبق وظایف محوله خود نمی‌تواند در چنین اموری جایگزین معاونت میراث فرهنگی کشور شود».

اشاره به این بخش از بیانیه به دخالت و همراهی پژوهشگاه میراث فرهنگی در تخریب بافت تاریخی شیراز است. مصیب امیری رئیس این پژوهشگاه است که چند سال پیش مدیر کل میراث فرهنگی فارس بوده است.

کارشناسان وزارت میراث فرهنگی در پایان بیانیه خود نوشته‌اند: ضمن درخواست از همه دغدغه‌مندان حوزه فرهنگ جهت سکوت‌نکردن در برابر انجام رویه‌های غیرقانونی با نتایج خاسرت‌بار، از وزیر محترم میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری درخواست صدور دستور توقف آنی هرگونه اقدام تخریبی، بازگشت به روال قانونی بررسی پیشنهاد، احترام به نظرات کارشناسی و حرکت در راستای هدف اصلی وزارت مبنی‌بر حفاظت از میراث فرهنگی ارزشمند کشور را داریم.

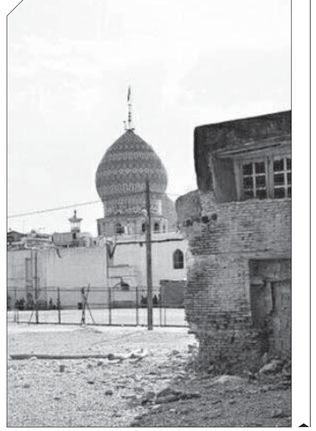

جمع‌بندی

حکومت ساسانی آخرین حکومت ایرانی پیش از ورود اسلام به ایران است که بر پایه ناسیونالیسم ایرانی و مذهب زرتشت به دست اردشیر بابکان بنیاد نهاده شد. اردشیر با پیوند دین و دولت (دیانت و سیاست) در انسجام اقوام مختلف ایرانی و طبقات چندگانه اجتماعی کوشید تا بر این اساس بتواند نظام حکومتی را از ملوک‌الطوایفی خارج و دولتی متمرکز با والیان گمارده. گسه وفادار و وابسته به حکومت مرکزی بوده، ایجاد کند. این مسئله موجب شد یگانگی فرهنگی بیشتری در این دوره نسبت به دوره قبل از آن در سرتاسر ایرانشهر به وجود آید.

ساسانیان در ایجاد و شکل‌بخشی به شهر انقلاب تازه‌ای به پا کردند. تا پیش از آنان تأسیس شهر بسیار محدود بود و ساخت شهرها نیز در انحصار شاهان اشکانی قرار داشت؛ چنانکه بدون فرمان آنان شهری شکل نمی‌گرفت. در واقع اگر فردی به ایجاد شهر مبادرت می‌کرد، آن را نشانه تمرد از شاه و استقلال‌طلبی وی می‌دانستند. همین‌گونه که ضرب سکه نیز چنین مفهومی داشت. اردشیر بابکان نیز برای نشان‌دادن مخالفت خود با اردوان پنجم، فرمان ساخت یک دژ و شهر را مارد شیر را صادر کرد تا بدین وسیله قدرت و ثروت خود را به رخ شاه اشکانی بکشد و مخالفت صریح خود را با او آشکار کند. این امر سبب شد شاه اشکانی در نامه‌ای خطاب به وی طغیانش را در برابر شاه، ساخت شهر اعلام کند. اردشیر گرچه در ابتدا با ساخت شهر مخالفت خود را با اراده شاه اشکانی اعلام کرد، اما پس از به قدرت رسیدن نه تنها این روند را متوقف نساخت، بلکه آن را به وجهی نیکو توسعه داد. چنان‌که مورخان و جغرافیانگاران با اندکی اختلاف ساخت و تعمیر بیش از ۱۰ شهر را به او نسبت داده‌اند. به نظر می‌رسد ساخت شهر در این دوره فراتر از آن چیزی بود که پیش از آن مرسوم بود و اهداف و رویکردهای فراوانی را در بر می‌گرفت.

شاپور اول پسر و جانشین اردشیر نیز راه پدر را در ساخت شهرهای جدید ادامه داد و با وجود اینکه ساخت شهر زیبای گور تازه به اتمام رسیده بود با همچنان ادامه داشت دستور داد بیشاپور را به شکلی متفاوت و در فاصله نه چندان دوری از آن بسازند. تا پیش از وی برخی از شهرهای بزرگ و مرکزی، شکلی گسوسان داشتند که خود برگرفته از اندیشه و باورهای علمی- مذهبی ایرانیان نسبت به جهان پیرامون بود. به نظر می‌رسد شاپور با برهمزدن این قاعده بیشتر تابع شهرسازی روم قرار داشت که از آن به عنوان طرح چهارگوش یا هیپودام یاد می‌شود. از شاپور اول نیز مانند پدرش شهرهایی یاد شده که به این ترتیب می‌توان تصور کرد که در داخل دایره مرکزی شهر فقط ابنیه مذهبی، اداری، تشریفاتی و دولتی قرار داشته‌اند. در حالی که در دوایر جزیی و بزرگتر، ساکنان شهر بوده‌اند. نقشه دایره‌ای‌شکل اردشیر خوره به صورت گوناگون از فرهنگ معماری بارتی اقتباس شده که تا آغاز دوره ساسانیان کماکان ادامه داشته است. برای نمونه می‌توان از شهرهایی مثل هاترا و دارابگرد نام برد. اردشیر با طرح نقشه دایره‌ای‌شکل این شهر می‌خواست یک مدل نمادین برای بلندپروازی‌های سیاسی و زیباشناسی کشور خود ایجاد کند.

هریک با هدف خاصی ساخته شده‌اند.

شهر باید با توسعه آن در زمان ساسانی مانند همه ادوار دیگر به توانمندی، ثروت و اهداف شخص شاه بستگی داشت. چنان‌که به شاهان بزرگ و قدرتمندی مانند اردشیر بابکان ۱۰ شهر، شاپور اول هشت شهر، شاپور دوم هشت شهر، پیروز چهار شهر، قباد شش شهر، خسرونوشیروان پنج شهر و خسروپرویز دو شهر نسبت داده‌اند.

از نویسندگان و متونی که به شهرهای ساسانی توجه کرده و به معرفی آنها پرداخته‌اند می‌توان به طبری، ابن‌بلخی، گردیزی، حمزه اصفهانی، حمدالله مستوفی، دینوری و مجمل التواریخ و القصص، شهرستان‌های ایران و حدود العالم اشاره کرد. هریک از نویسندگان به شمار مشخصی از شهرهای شاهان اشاره کرده‌اند که البته رقم و گاهی نام این شهرها در متون متفاوت است. علاوه بر این، گاهی دیده می‌شود که ساخت یک شهر را به چند نفر نسبت داده‌اند؛ خصوصا هنگامی که دو پادشاه مانند شاپور اول و دوم هم‌نام بودند. در این متون تفاوت‌هایی در دیکته شهرها نیز دیده می‌شود که این مسئله بیانگر تغییر تدریجی نام شهرها، فاصله زمانی نویسندگان از دوره ساسانی یا از یکدیگر یا مشی‌برداری غلط از نوشته‌های دیگران است که در این صورت خطاهایی بروز کرده است. اغلب شاهان ساسانی از نام خود در بیشتر یا بسوند شهرهای جدیدالاحداث بهره برده